

بررسی عهدنامه ۱۹۷۵ ایران و عراق

دکتر اصغر جعفری ولدانی

تعیین خط مرزی بین دو کشور در اروند رود تصریح نشده است، ولی دو دولت عملاً به طور مشترک در اروند رود اعمال حاکمیت می نمودند. «سرآر نولدولسن» که در کمیسیون تحدید حدود سال ۱۹۱۳ میانجی و نماینده دولت انگلستان بوده است، در کتاب خود می نویسد:

«روشی که دولتین ایران و عثمانی از آغاز رفت و آمد کشتیها به اروند رود و شاید از خیلی پیش از آن اتخاذ کرده بودند، این بوده که هر نوع اعمال حاکمیت در شط تا نقطه‌ای که هر دو ساحل متعلق به عثمانی می شده است، مشترکاً اجرا می گشت.»

این عقیده دلیل روشنی است که در هیچ عصر و زمانی موضوع حاکمیت و حقوق ایران در اروند رود مورد تردید نبوده و دو کشور در آن رودخانه همواره طبق اصول و مقررات حقوق بین الملل رفتار می کرده‌اند.^۱

لکن در سال ۱۹۱۳، به موجب پروتکل استانبول، حاکمیت بر تمام اروند رود بجز قسمت کوچکی در مقابل خرمشهر، به عثمانی واگذار شد. همچنین به

عهدنامه مذکور متعاقب مذاکراتی که بین ایران و عراق در جریان کنفرانس سران عضو اوبک در مارس ۱۹۷۵ در شهر الجزیره صورت گرفت؛ منعقد گردید. هدف این مقاله بررسی و تجزیه و تحلیل عهدنامه ۱۹۷۵ و اعتبار آن برای همه زمانها با توجه به مقررات حقوق بین الملل است. لیکن نخست، شرح مختصری از سوابق تاریخی اختلافات مرزی ایران و عراق به منظور روشن شدن زمینه‌های بحث، ضروری به نظر می‌رسد.

۱- سوابق تاریخی

در دوره امپراتوری عثمانی که عراق بخشی از آن محسوب می‌شد، اختلافات دو کشور همیشه بر سر اراضی سرحدی بود و عثمانیها هیچگاه نسبت به حاکمیت ایران در مورد اروند رود اعتراض نداشتند. چنانکه در عهدنامه‌های چهارگانه مرزی که بین ایران و عثمانی منعقد شده‌اند - یعنی عهدنامه قصر شیرین ۱۶۳۹ میلادی، عهدنامه گردان ۱۷۴۶ میلادی، عهدنامه ارض روم ۱۸۲۳ میلادی و عهدنامه ارض روم دوم ۱۸۴۷ میلادی - هیچگاه موضوع حاکمیت و

شرط اصلی را فاقد بوده، بنابراین هیچگاه معتبر و قطعی تلقی نشده است.^۵

در مقابل، دولت عراق - جانشین امپراتوری عثمانی - ادعا می‌کرد که پروتکل استانبول از ضامم عهدنامه ۱۸۴۷ بوده و چون ایران در هفدهمین جلسه کمیسیون مختلط ۱۹۱۲، عهدنامه مزبور را پذیرفته، لذا پروتکل ۱۹۱۳ نیازی به تصویب مجدد ایران نداشته است.

اما دولت ایران معتقد بود که اولاً، چون نماینده ایران هنگام مبادله اسناد مصوبه عهدنامه ۱۸۴۷ با امضای توضیحات اربعه، از حدود اختیارات خود تجاوز نموده، معاهده ارض‌روم نمی‌تواند معتبر باشد.^۶ بویژه که این موضوع با اجبار و اکراه توأم بوده است. ثانیاً، برفرض معتبر بودن عهدنامه ۱۸۴۷، میان مقررات، ترتیبات و تنزیحات پروتکل ۱۹۱۳ و عهدنامه ۱۸۴۷، تفاوت فاحش وجود دارد، به این

موجب این پروتکل و صورت‌جلسات تحدید حدود ۱۹۱۴، اراضی وسیعی از ایران جدا و ضمیمه خاک عثمانی گردید. نظر به اهمیت پروتکل مذکور و اینکه این پروتکل اساس عهدنامه مرزی ۱۹۷۵ قرار گرفته است، در زیر توضیحات بیشتری در مورد آن داده می‌شود:

به موجب ماده ۲ پروتکل مذکور، کمیسیونی مرکب از نمایندگان چهار کشور ایران، عثمانی، روسیه و انگلیس برای تعیین حدود مرزهای ایران و عثمانی و علامت‌گذاری آنها تشکیل گردید. این کمیسیون ظرف مدت یکسال به کار خود خاتمه داد و در نتیجه ۷۰۰ مایل مربع از اراضی متعلق به ایران واقع در شمال و جنوب قصر شیرین را به دولت عثمانی واگذار کرد. در اراضی مذکور که بعدها اراضی انتقالی نامیده شد، معادن نفت مهمی کشف گردید و امروزه قسمت مهم صادرات نفت عراق از چاه‌های نفت خانه و خانقین که جزء اراضی انتقالی بوده‌اند، تأمین می‌شود.^۲

جالب آنکه به منظور حفظ امتیاز «ویلیم ناکس دارسی» و عدم وقفه در ادامه عملیات شرکت مزبور در اراضی انتقالی، در ماده ۷ پروتکل فوق قید شده بود که امتیاز مزبور «... در کلیه اراضی ایران که منتقل به عثمانی می‌شود، برطبق مقررات این مقاله نامه و ضمیمه (ب) آن کاملاً به قوت خود باقی خواهد ماند»^۳

پروتکل استانبول و صورت‌جلسات تحدید حدود ۱۹۱۴ هرگز صورت قطعی و قانونی به خود نگرفت و به تصویب مجالس مقننه دولتی ایران و عثمانی نرسید. دولت ترکیه جانشین امپراتوری عثمانی، خود اعلام کرد که پروتکل استانبول را نمی‌توان یک سند سیاسی معتبر دانست، زیرا شکلی که برای اعتبار آن لازم می‌باشد بخود نگرفته است. به این مفهوم که نه به تصدیق مجلس مبعوثان عثمانی و نه به تصویب سلطان که رئیس قوه مجریه بوده رسیده و لذا باطل و بلااثر مانده است.^۴ از طرف دولت ایران نیز چون هرگونه تغییر اراضی و تعدیل حدود دو کشور باید با اطلاع و تصویب قوه مقننه باشد و پروتکل مزبور این

○ در عهدنامه ۱۹۷۵ و موافقتنامه‌های تکمیلی آن، حق لغویکسویه پیش‌بینی نشده و به هیچ‌رو اختلاف نظر در چگونگی اجرای عهدنامه نمی‌تواند دلیلی برای لغویکسویه آن باشد. همچنین برپایه بند ۳ ماده ۶۲ کنوانسیون وین، نمی‌توان به اصل تغییر فاحش اوضاع و احوال به عنوان بهانه‌ای برای لغویا کناره‌گیری از معاهده استناد کرد و تنها می‌توان خواستار تعلیق اجرای عهدنامه شد.

اما از همه مهمتر بند ۲ ماده ۶۲ کنوانسیون مزبور است که آشکارا استناد به اصل تغییر فاحش اوضاع و احوال برای لغویکسویه عهدنامه‌های مرزی را مردود دانسته است.

افغانستان بوجود آورد. به همین جهت فقط چهار روز پس از امضای عهدنامه، یعنی در ۸ ژانویه ۱۹۳۷ پیمان سعدآباد بین کشورهای مزبور به امضا رسید. در نتیجه، «توافق ایران و عراق بیش از آنکه جنبه حقوقی داشته باشد جنبه سیاسی داشت»^۸ عهدنامه ۱۹۳۷ نیز به اختلافات دو کشور خاتمه نداد و حتی با انقلاب ۱۴ ژوئیه ۱۹۵۸ عراق بر شدت آن افزوده شد. زیرا با سقوط رژیم سلطنتی در عراق، تشابه و همسویی دو رژیم از بین رفت. اوج بحران در روابط دو کشور، در سالهای ۱۹۵۹ و ۱۹۶۰ بر سر ارون رود بروز کرد. مجدداً در سال ۱۹۶۸ که حزب بعث در عراق به قدرت رسید، اختلافات دو کشور وارد مرحله جدیدی شد و تا سال ۱۹۷۵ که عهدنامه دیگری بین طرفین به امضا رسید، با شدت و ضعف ادامه داشت.^۹

۲- بررسی و تجزیه و تحلیل عهدنامه

عهدنامه مرزی و حسن همجواری ۱۹۷۵ براساس اصول مورد توافق دو کشور مندرج در اعلامیه الجزیره مورخ ۶ مارس ۱۹۷۵ منعقد گردید. اعلامیه الجزیره شامل يك مقدمه و چهار اصل بدین شرح می باشد:

«... با رعایت اصول احترام به تمامیت ارضی و تجاوزناپذیری مرزها و عدم دخالت در امور داخلی، طرفین تصمیم گرفتند:

۱. مرزهای زمینی خود را براساس پروتکل قسطنطنیه مورخ سال ۱۹۱۳ و صورت جلسه های کمیسیون تعیین مرز مورخ سال ۱۹۱۴ تعیین کنند.
۲. مرزهای آبی خود را براساس تالوگ تعیین نمایند.
۳. با این کار، دو کشور امنیت و اعتماد متقابل را در امتداد مرزهای مشترك خویش برقرار خواهند ساخت. طرفین بدینسان متعهد می شوند که در مرزهای خود يك کنترل دقیق و مؤثر به منظور قطع هرگونه رخنه و نفوذ که جنبه خرابکارانه از هر سو داشته باشد، اعمال نمایند.
۴. دو طرف توافق کرده اند که مقررات فوق،

○ مقدمه منشور ملل متحد که مهمترین سند حقوقی و سیاسی بین المللی است، رعایت اصل احترام به عهدنامه ها را از وظایف دولتهای عضو سازمان دانسته است. بند ۴ ماده ۲ منشور نیز ناظر به احترام به یکپارچگی سرزمینی کشورها و تغییرناپذیر بودن مرزها است. بنابراین لغویکجانبه عهدنامه ۱۹۷۵ توسط دولت عراق، نقض آشکار مفاد منشور ملل متحد است.

مفهوم که در عهدنامه ۱۸۴۷ سخنی از حق حاکمیت دو کشور بر ارون رود به میان نیامده و اصل بر این بوده است که حاکمیت دو کشور برابر می باشد. زیرا چنانچه غیر از این بود می بایستی دو کشور مقرراتی در این مورد وضع می کردند، در صورتی که پروتکل ۱۹۱۳، حق حاکمیت بر ارون رود را به عثمانی واگذار کرده است. بنابراین پروتکل استانبول نمی تواند از ضمايم عهدنامه بدون اعتبار ۱۸۴۷ باشد. بهر حال اختلافات مرزی دو کشور ادامه داشت تا این که در سال ۱۹۳۷ عهدنامه دیگری براساس عهدنامه ارض روم ۱۸۴۷ و پروتکل استانبول ۱۹۱۳ و صورت جلسات تحدید حدود ۱۹۱۴ بین دو کشور به امضاء رسید. به موجب این عهدنامه، مرز دو کشور در ارون رود بجز در مقابل بنادر آبادان و خرمشهر که براساس تالوگ تعیین گردید، ساحل ایرانی ارون رود معین شد.^۷

ظاهراً علت امضای عهدنامه مذکور از طرف دولت ایران، اوضاع و احوال آن برهه از زمان و فشار انگلیسیها بود. جهان به سوی جنگ جهانی دوم پیش می رفت و دولت ایران مایل بود با انعقاد پیمان سعدآباد، اتحادی از کشورهای ایران، عراق، ترکیه و

اجرا درآمد. این عهدنامه طبق ماده ۱۰۲ منشور ملل متحد در دبیرخانه سازمان ملل متحد تحت شماره‌های ۱۴۹۰۳ تا ۱۴۹۰۷ در سال ۱۹۷۶ به ثبت رسید و در نتیجه رسمیت یافت.

در تاریخ ۲۶ دسامبر ۱۹۷۵ صورت جلسه‌ای نیز در مورد حل و فصل جامع و قطعی کلیه مسائل و دعاوی در حال تعلیق بین وزرای امور خارجه ایران و عراق به امضاء رسید و پس از تصویب آن توسط مجلسین آن زمان ایران در ژوئن ۱۹۷۶، اسناد تصویب آن مبادله گردید. به موجب صورت جلسه مزبور، دو کشور توافق نمودند فهرستی حاوی کلیه نکات مورد اختلاف ناشی از اجرای ماده ۴ پروتکل راجع به علامت گذاری مجدد مرز زمینی و نیز کلیه دعاوی دیگر تنظیم نمایند.

در اجرای صورت جلسه مذکور، در تاریخ ۲۲ ژوئن ۱۹۷۶ صورت جلسه دیگری بین دو کشور به امضاء رسید که به موجب آن کلیه مطالبات معوق بین دو کشور صرف نظر از ماهیت یا علت آن در تاریخ امضای صورت جلسه فیصله یافته تلقی گردید.

○ حقوق بین الملل در پرتو احترام به یکپارچگی سرزمینی کشورها، قطعی، دائمی و غیر قابل تغییر بودن را از اصول ذاتی عناصر متشکله عهدنامه‌های مرزی شناخته است و در رابطه با این قاعده کلی، نه تنها تغییر یکجانبه عهدنامه‌های مرزی را بر پایه اصل تغییر فاحش اوضاع و احوال جایز ندیده بلکه هر گونه ادعای یکسویه دایر بر کان لم یکن و ملغی الاثر بودن یا تعلیق اجرای مفاد یا انقضای اصول عهدنامه‌های مرزی را به هر عنوان و دلیلی، مردود شناخته است.

عوامل تجزیه‌ناپذیر جهت يك راه‌حل کلی بوده و نتیجتاً بدیهی است که نقض هر يك از مفاد فوق مغایر روحیه توافق الجزیره می‌باشد.^{۱۰}

دولت عراق پس از لغو یکجانبه این اعلامیه در ۱۷ سپتامبر ۱۹۸۰ مجدداً در تاریخ ۲۵ نوامبر ۱۹۸۲ به طور رسمی اعلام کرد که آن را پذیرفته است.

اعلامیه الجزیره حاکی از اصول کلی مورد توافق طرفین برای حل و فصل اختلافات بود. در جهت اجرای این اصول، وزرای امور خارجه ایران و عراق با حضور وزیر امور خارجه الجزایر از تاریخ ۱۵ مارس تا ۱۳ ژوئن (۲۴ اسفند ۱۳۵۳ تا ۲۳ خرداد ۱۳۵۴) به ترتیب در تهران، بغداد، الجزیره و بغداد گرد آمدند. نتیجه این چهار نشست که سه ماه به طول انجامید، امضای «عهدنامه مربوط به مرز مشترک و حُسن همجواری بین ایران و عراق» در ۱۳ ژوئن ۱۹۷۵ در بغداد بود.^{۱۱} این عهدنامه دارای يك مقدمه، ۸ ماده، يك الحاقیه و سه پروتکل همراه با ضمیمه مربوط بدین شرح می‌باشد:

۱- پروتکل راجع به علامت گذاری مجدد مرز زمینی بین ایران و عراق
۲- پروتکل راجع به تعیین مرز رودخانه‌ای بین ایران و عراق

۳- پروتکل مربوط به امنیت در مرز ایران و عراق
۴- الحاقیه مربوط به بند ۵ ماده ۶ عهدنامه.^{۱۲} عهدنامه ۱۹۷۵ دارای چهار موافقتنامه تکمیلی نیز می‌باشد که در تاریخ ۲۶ دسامبر ۱۹۷۵ در بغداد به امضاء رسید. این موافقتنامه‌ها عبارتند از:

موافقتنامه راجع به مقررات مربوط به کشتیرانی در اروند رود، موافقتنامه راجع به استفاده از آب رودخانه‌های مرزی، موافقتنامه راجع به تعلیف احشام، و موافقتنامه راجع به کلاتران مرزی.

عهدنامه فوق و سه پروتکل و ضمیمه آن و نیز چهار موافقتنامه مذکور به تصویب قوه مقننه دولتمابان ایران و عراق رسید و اسناد تصویب آن در ۲۲ ژوئن ۱۹۷۶ طی دیدار «سعدون حمادی» وزیر امور خارجه عراق از ایران مبادله گردید و از همان تاریخ به مورد

حال به بررسی مفاد مهم عهدنامه ۱۹۷۵ می‌پردازیم:

الف. تحدید مرزهای زمینی

ماده ۱ عهدنامه، مرزهای زمینی دو کشور را که به موجب پروتکل مربوط به علامت‌گذاری مجدد مرز زمینی بین ایران و عراق تعیین گردیده است، تأیید می‌کند. به موجب پروتکل مزبور، علامت‌گذاری مجدد مرز زمینی دو کشور توسط کمیته مختلط ایران و عراق و الجزایر و بر مبنای پروتکل قسطنطنیه ۱۹۱۳ و صورت جلسات کمیسیون تحدید حدود ترکیه و ایران ۱۹۱۴ انجام گرفت.

به منظور تحدید مرز و نصب علائم مرزی، کمیته‌های فنی متشکل از کارشناسان دو کشور و با نظارت و مشارکت نمایندگان الجزایر، به اروند رود و مرزهای زمینی اعزام شدند و عملاً به تعیین خط مرزی تالوگ در اروند رود و تحدید مرز زمینی و نصب علائم و تدارک موجبات بستن مرزهای دو کشور اقدام نمودند.

دولت ایران پذیرفت که علامت‌گذاری نقاط مرزی توسط عراق صورت گیرد و چنانچه در مورد محل نصب برخی از علائم، بین کارشناسان دو کشور اختلاف نظر به وجود آید، محل نصب، توسط حکم‌الجزایری تعیین گردد و سپس نصب علائم مربوط به وسیله ارتش عراق صورت گیرد.

لازم به یادآوری است که کمیسیون تحدید حدود دو کشور در سال ۱۹۱۴ دو سوم مرز زمینی بین ایران و عراق را علامت‌گذاری نمود، ولی به علت پیش آمدن جنگ جهانی اول، علامت‌گذاری بقیه مرز متوقف گردید. (کمیسیون مزبور دقیقاً یک روز قبل از آغاز جنگ جهانی اول به کار خود خاتمه داد.) بنابراین این مرز دو کشور در این قسمت تا سال ۱۹۷۵ که علامت‌گذاری شد، مشخص نبود، برخی از علائم مرزی سال ۱۹۱۴ نیز در طول سالهای ۱۹۱۴-۱۹۷۵ به علت عدم تعمیر و مرمت از بین رفته و تشخیص مرز در این نقاط برای دو کشور مشکل بود. در نتیجه، این قسمت نیز بایستی مجدداً علامت‌گذاری می‌شد.

به موجب ماده ۵ پروتکل مربوط به علامت‌گذاری مجدد مرز زمینی، دو کشور موافقت نمودند که هر ساله در ماه سپتامبر، کمیسیون مختلطی متشکل از نمایندگان ذیصلاح دو دولت به منظور بازرسی علائم مرزی و اطمینان از وضع آنها تشکیل دهند.

کمیسیون مزبور همچنین می‌توانست تصمیم به ساختن علائم جدیدی که واجد همان مختصات علائم موجود باشد، بگیرد و یا علائم جابجا شده را در محل خود نصب کرده و یا به ساختن علائم آسیب دیده یا از بین رفته مبادرت نماید مشروط بر این که این امر در مسیر خط مرزی، تغییری ایجاد نکند.

در نتیجه علامت‌گذاری مرز زمینی دو کشور، مالکیت برخی از املاک، اراضی، ساختمانها و تأسیسات عمومی یا خصوصی تغییر پیدا کرد. لازم به یادآوری است که قسمت اعظم منطقه مرزی را که علامت‌گذاری گردید، تپه و ماهور تشکیل می‌داد. بنابراین املاک و ساختمانهایی که بایستی انتقال پیدا می‌کردند، از ارزش زیادی برخوردار نبودند.

○ در رابطه با اصل ادامه اصالت و صحت عهدنامه‌های مرزی، حقوق بین‌الملل ضمن آنکه در مورد مسئله جانشینی دولتها راجع به قراردادها برای دولتهای تازه استقلال یافته حق تغییر قراردادهای بسته شده به وسیله دولتهای استعماری پیشین را براساس اصل «نیل به استقلال کشورهای جدید» مجاز شمرده، لیکن اجرای این اصل را در مورد عهدنامه‌های مرزی یکسره منع و در این مورد بر اصل تداوم معاهدات تأکید کرده است.

○ رهبران عراق رضایت و خشنودی خود را از امضای عهدنامه آشکارا بیان داشتند. صدام حسین اعلامیه الجزیره را يك «توافق بزرگ و تاریخی» خواند. احمد حسن البکر رئیس جمهوری عراق در سخنانی که به مناسبت هفتمین سالگرد به قدرت رسیدن حزب بعث ایراد کرد، مهمترین رویداد سیاست خارجی عراق را امضای عهدنامه حل اختلاف با ایران برشمرد و گفت: «عراق به رغم کوششهای دشمنانی که می‌کوشند روابط دو کشور را خدشه‌دار سازند، به توافقی‌های خود با ایران که به سود دو کشور تنظیم شده است، احترام می‌گذارد».

دو کشور همجوار باشد. اصل تالوگ در اواخر قرن هجدهم وارد حقوق بین‌الملل گردید و اولین بار این حکم در کنگره «رایشتاد»^{۱۳} منعقد در سال ۱۷۹۷ و عهدنامه «لونوی»^{۱۴} ۱۸۰۱ به کار رفت. این اصل همچنین در قراردادهای صلح ۱۸۵۹، ۱۹۱۹ و ۱۹۲۰ که تدوین‌کننده برخی از مقررات حقوق بین‌الملل می‌باشد، پذیرفته شده است. علاوه بر مقررات حقوق بین‌الملل، اصل عدالت و نصفت^{۱۵} نیز حکم می‌کرد که ایران و عراق در اروندرود از حقوق مساوی برخوردار باشند، زیرا نیمی از آب اروندرود از رودخانه‌های ایران سرچشمه می‌گیرد. در این میان، رود کارون مهمترین رود ایران از نظر حجم آب است که به اروندرود می‌ریزد و با هر يك از رودخانه‌های دجله و فرات قابل مقایسه می‌باشد. همچنین قسمت عمده کشتیرانی در اروندرود قبل از جنگ تحمیلی، متوجه دو بندر مهم ایران یعنی آبادان و خرمشهر بود، به طوری که بیش از

به هر حال براساس توافقی که در ژوئن ۱۹۷۶ بین وزرای امور خارجه دو کشور به عمل آمد، قرار شد به منظور نقل و انتقال اموال غیرمنقول مذکور، کمیسیون مختلطی متشکل از کارشناسان دو کشور تشکیل گردد. در مذاکراتی که طی دیدار هیئت عراقی از تهران در دسامبر ۱۹۷۷ به عمل آمد، موافقت شد که کمیسیون مربوطه کار خود را در مه ۱۹۷۸ در تهران آغاز نماید.

■ ب. تعیین مرز رودخانه‌ای

به موجب ماده ۲ عهدنامه ۱۹۷۵ و پروتکل مربوط به تعیین مرز رودخانه‌ای بین ایران عراق، مرز دو کشور در اروندرود از ملتقای نهر «خین» تا دریا، خط تالوگ تعیین گردیده است. همچنین در صورت تغییرات ناشی از علل طبیعی در کانال اصلی قابل کشتیرانی، مرز کماکان خط تالوگ خواهد بود. به یاد داشته باشید که اروندرود سالانه گاهی ده کیلومتر در بستر خود پیشروی می‌کند. به این معنی که بهار پیش می‌آید و پائیز عقب می‌نشینند و به این ترتیب، مسیر آن به طور دائم در تغییر است.

به هر حال عهدنامه مذکور با تعیین خط تالوگ به عنوان مرز مشترک دو کشور، به یکی از اختلافات دیرینه میان ایران و عراق خاتمه بخشید. دولت ایران همیشه خواستار آن بود که مرز دو کشور در اروندرود بر طبق اصول و مقررات حقوق بین‌الملل تعیین گردد. براساس مقررات حقوق بین‌الملل، در گذشته، مرز دو کشور در رودخانه‌های مرزی مشترک، خط منصف بود. «گروسیوس» که از او به نام پدر حقوق بین‌الملل نام برده می‌شود، گفته است: «خط وسط رودخانه حاکم بر دول همجوار است»، و چون خط منصف سبب می‌شد که ناحیه قابل کشتیرانی، تحت حاکمیت مطلق یک کشور قرار گیرد و این امر ایجاد بی‌عدالتی می‌نمود، به همین جهت خط تالوگ جانشین خط منصف گردید.

تالوگ يك کلمه قدیمی آلمانی و معنی لغوی آن دره می‌باشد و در اصطلاح به این مفهوم است که عمیقترین و یا قابل کشتیرانی‌ترین نقطه رودخانه، مرز

مربوط به کشتیرانی در اروند رود، دو کشور دارای حقوق متساوی در زمینه کشتیرانی شدند.

قبل از این که رژیم حقوقی اروند رود مورد بررسی قرار گیرد، باید مقدمتاً متذکر شد که اختلاف اصلی ایران و عراق بر سر موضوع مالکیت اروند رود بود تا مسئله رژیم حقوقی آن. به هر حال طرفین درباره کشتیرانی در اروند رود در سه مورد با یکدیگر اختلاف داشتند که عبارت بود از:

الف. نحوه اداره اروند رود.

ب. چگونگی مصرف درآمدهای حاصله از کشتیرانی

ج. مسئله پرچم و راهنمایی کشتیها

در اینجا نخست به بررسی این موارد می‌پردازیم و سپس چگونگی حل و فصل اختلافات مزبور را با توجه به موافقتنامه مربوط به کشتیرانی شرح می‌دهیم.

■ الف. نحوه اداره اروند رود

به علت وجود منافع مشترك، اکثراً برای اداره امور رودخانه‌های بین‌المللی، کمیسیون متشکل از ممالک ساحلی آن رودخانه و سایر ممالکی که در بهره‌برداری از این رودخانه سهمی دارند، تشکیل می‌شود. وظایف این کمیسیونها به طور کلی عبارت است از نظارت بر آمادگی رودخانه برای کشتیرانی، نظارت بر امر عبور و مرور در رودخانه، به اجرا درآوردن مقررات مربوط به صدور گواهینامه کشتیرانی، کنترل و راهنمایی کشتیها و سایر مقرراتی که امنیت کشتیها و رودخانه‌ها را تضمین نماید.^{۱۶}

به همین جهت براساس ماده ۵ عهدنامه ۱۹۳۷ و بند ۲ پروتکل منضم به آن، طرفین متعهد شده بودند ظرف مدت یکسال قراردادی راجع به نگاهداری و بهبود راه کشتیرانی، لایروبی، راهنمایی، عوارضی که باید اخذ بشود، تدابیر امنیتی، اقداماتی که باید برای جلوگیری از قاچاق صورت گیرد و همچنین کلیه مسائل مربوط به بحریمایی در اروند رود منعقد سازند.

ولی این قرارداد منعقد نگردید بدین علت که

○ در این مورد که آیا جنگ باعث لغو عهدنامه‌ها می‌شود یا نه، علمای حقوق بین‌الملل دو نظریه ابراز داشته‌اند. برخی بر آنند که با پیش آمدن جنگ، عهدنامه‌ها اعتبار خود را از دست می‌دهند، ولی عهدنامه‌های مرزی را مستثنی می‌کنند و معتقدند جنگ، هیچگونه خللی به اعتبار این گونه عهدنامه‌ها وارد نمی‌سازد. در مقابل، برخی دیگر معتقدند بسیاری از معاهدات با وجود بروز جنگ اعتبار خود را حفظ می‌کنند و تنها اثری که جنگ بر این معاهدات دارد این است که اجرای آنها را به گونه گذرا به حالت تعلیق درمی‌آورد.

۷۵ درصد از عواید کشتیرانی در اروند رود را ایران تأمین می‌کرد. لیکن دولت عراق تا سال ۱۹۷۵ حاضر به پذیرفتن اصول مزبور نشده بود و در این مورد به عهدنامه ۱۹۳۷ استناد می‌کرد. همانطور که گفته شد به موجب این عهدنامه که مغایر با مقررات حقوق بین‌الملل بود، مرز دو کشور در اروند رود بجز در مقابل بنادر آبادان و خرمشهر، ساحل ایرانی اروند رود تعیین شده بود. به هر حال دولت ایران از سال ۱۹۶۹ عملاً براساس خط تالوگ عمل می‌کرد و عهدنامه ۱۹۷۵ تنها بر وضع موجود صحنه گذارد.

۳- رژیم حقوقی اروند رود

قبل از معاهده ۱۹۷۵، عراق به موجب معاهده ۱۹۳۷ حق استفاده از کشتیرانی در اروند رود را داشت و حاکمیت ایران بر آن محدود بود. لیکن به موجب عهدنامه ۱۹۷۵ که مرز دو کشور را تالوگ تعیین نمود، حق مالکیت اروند رود به هر دو کشور ایران و عراق داده شد. همچنین به موجب موافقتنامه

ولی دولت عراق از آغاز جنگ تحمیلی در اجرای تعهدات خود شروع به کارشکنی نمود به طوری که دوازده نفر از کارمندان ایرانی دفتر مشترک هماهنگی را همراه با اعضای خانواده آنان دستگیر نمود، ولی پس از این که با اعتراضات شدید دولت ایران روبرو گردید، آنها را آزاد کرد.^{۱۸} همچنین به موجب اسنادی که پس از انقلاب از کنسولگری عراق در خرمشهر به دست آمد، آشکار شد که معاون عراقی دبیر کل دفتر مشترک هماهنگی و معاون عراقی قسمت عملیاتی دفتر، به عنوان گردانندگان يك شبکه خرابکاری در خوزستان عمل می کرده‌اند.^{۱۹}

■ ب. چگونگی مصرف درآمدهای حاصله از

کشتیرانی

۷۰ درصد از درآمدهای ناشی از کشتیرانی در اروند رود از کشتیهایی بود که منحصرأً به بنادر ایران رفت و آمد داشتند و در مجموع فقط ۴۰ درصد از کل درآمدها به مصرف بهبود کشتیرانی در رودخانه می‌رسید و بقیه صرف بهبود بنادر عراق و فرودگاه بصره می‌گردید.

به موجب ماده ۲ پروتکل منضم به عهدنامه ۱۹۳۷، دولت عراق می‌بایستی ایران را در جریان کارهایی که انجام یافته و وجوهی که گرفته شده و مخارجی که به عمل آمده و هر نوع اقدام دیگری که اجرا شده باشد، بگذارد. اما دولت عراق تا سال ۱۹۵۰ دو گزارش، (آن هم به طور ناقص) به دولت ایران ارائه داده و از آن سال به بعد نیز از دادن گزارش خودداری کرده بود.

این اختلاف نیز به موجب ماده ۹ موافقتنامه مربوط به کشتیرانی حل و فصل گردید. به این ترتیب قرار شد که درآمدهای حاصله از کشتیرانی به مصرف هزینه‌های دفتر مشترک هماهنگی برسد. هرگاه هزینه از درآمد تجاوز نماید، طرفین متعاهدین متساویاً این کمبود را جبران نمایند و در صورتی که درآمد بیشتر از هزینه باشد، برای بهبود وضع کشتیرانی در اروند رود به مصرف برسد.

دولت عراق خواستار آن بود که اختیارات «کمیسیون اداره شط العرب جنبه مشورتی داشته باشد نه اجرایی که معلوم بود غرض از این پیشنهاد، علاوه بر طرفه و تعلل در اجرای عهدنامه سرحدی، ادامه سوءاستفاده از عواید شط العرب و حفظ تأسیساتی بود که در بندر بصره از عواید شط العرب ایجاد کرده بودند»^{۱۷}. در واقع، دولت عراق با این ادعا که حاکمیت بر تمام اروند رود را دارد، خواستار آن بود که کمیسیون فقط صلاحیت مشورتی داشته باشد و به همین دلیل از انعقاد قرارداد مزبور خودداری نمود.

به هر حال اختلاف مزبور به موجب ماده ۲ «موافقتنامه مربوط به کشتیرانی در شط العرب» حل و فصل گردید. به موجب این ماده دولتین موافقت نمودند برای اداره اروند رود يك «دفتر مشترک هماهنگی» تأسیس نمایند. در این دفتر هر يك از طرفین سه کارشناس که دو نفر آنها از شرایط محلی اطلاع کامل خواهند داشت، به عنوان نماینده منصوب خواهند نمود. دفتر مزبور سالانه دو جلسه و در صورت لزوم جلسات دیگری نیز تشکیل خواهد داد. به موجب ماده ۳ این موافقتنامه، «وظایف دفتر مشترک هماهنگی» بدین شرح می‌باشد:

۱. تهیه طرح مشترک برای تأمین امنیت و تداوم کشتیرانی در اروند رود.

۲. انجام عملیات مربوط به کشتیرانی رودخانه‌ای از قبیل لایروبی، علامت‌گذاری، نقشه برداری عمومی، عمق سنجی و مطالعات هیدرولیک و هیدروگرافیک (آب‌انگاری و آب‌شناسی).

۳. تنظیم تعرفه‌های مشترک قابل وصول در مورد انجام خدمات.

۴. نظارت بر اجرای مقررات مربوط به جلوگیری از آلودگی ناشی از کشتیرانی در اروند رود.

دولت ایران طی الحاقیه جداگانه موافقت نمود که عملیات مربوط به لایروبی و بویه‌گذاری در این آبراه بین‌المللی برای مدت هفت سال منحصرأً در صلاحیت دولت عراق باشد. همچنین جمع‌آوری عوارض نیز توسط مؤسسه عراقی انجام پذیرد.

■ ج. مسئله راهنما و پرچم

در عهدنامه مرزی سال ۱۹۳۷ و پروتکل منضم به آن، مسئله راهنمایان و پرچم مطرح نشده بود، ولی دولت عراق راهنمایی کشتیها را از دوره تسلط بریتانیا به ارث برده بود. از نظر تاریخی کشتیهای اقیانوس پیما تا جنگ جهانی اول برای رفت و آمد در اروند رود از راهنمایان ایرانی مستقر در جزیره خارك استفاده می کردند، ولی به علت نیازمندیهای جنگ، رفت و آمد کشتیها به بصره، خرمشهر، آبادان و بالعکس به طور قابل ملاحظه ای افزایش یافت. در نتیجه به راهنمایان جدیدی نیاز بود، و چون عراق پس از جنگ تحت سرپرستی بریتانیا درآمده بود، این راهنمایان از بصره استخدام شدند. در آن زمان مقامات نظامی بریتانیا در بصره راهنمایی کشتیها و ایجاد علائم جدید و نصب چراغها را در تمام بنادر اروند رود کنترل می کردند. ۲۰ بعد از استقلال عراق این امر به آن کشور واگذار شد.

این ترتیبات یکطرفه همیشه مورد اعتراض دولت ایران بود و حتی در سال ۱۹۶۱ بحران شدیدی بین دو کشور به وقوع پیوست. در آن سال به علت عدم همکاری راهنمایان عراقی، بندر آبادان به مدت ۸ هفته در طول سال ۱۹۶۱ بسته شد و صادرات نفت تصفیه شده ایران متوقف گردید و حدود ۳۰ میلیون دلار خسارت به ایران وارد شد. اما در بحران سال ۱۹۶۹ به علت اینکه راهنمایان ایرانی کاملاً آموزش

دیده و مجرب شده بودند، راهنمایی کشتیها را خود به عهده گرفتند. در ۲۲ آوریل ۱۹۶۹ برای اولین بار تا آن موقع کشتی «ابن سینا» به کمک نیروی دریایی ایرانی و هواپیماهای ایرانی و با پرچم ایران و راهنمایان ایرانی از بندر آبادان به طرف آبهای خلیج فارس حرکت کرد. در ۲۶ آوریل نیز دومین کشتی اقیانوس پیمای ایران به نام «آریافر» با پرچم ایران و با استفاده از راهنمایان ایرانی، بندر خرمشهر را به سوی آبهای خلیج فارس ترك کرد.

به هر حال این اختلاف تا سال ۱۹۷۵ بین دو کشور وجود داشت. هر چند که ایران از سال ۱۹۷۶ عملیات مربوط به راهنمایی کشتیها را خود انجام می داد. به موجب موافقتنامه مربوط به کشتیرانی در اروند رود قرار شد راهنمایی کشتیهایی که عازم يك بندر ایرانی هستند و یا آن را ترك می کنند توسط راهنمایان ایرانی انجام شود، ولی چنانچه این کشتیها عازم يك بندر عراقی باشند یا آن را ترك کنند، راهنمایی کشتیها توسط مقامات عراقی صورت خواهد گرفت. راهنمایی کشتیهایی که بین بنادر ایران و عراق تردد می کنند، توسط راهنمایانی انجام خواهد شد که دارای تابعیت دولت بندر مقصد باشند.^{۲۱}

همچنین به موجب ماده ۱۹ موافقتنامه مزبور، هر کشتی به هنگام ورود به اروند رود و یا حین تردد بین بنادر آن، پرچم دولت بندر مقصد و به هنگام حرکت به سوی دریا پرچم دولتی که بندر آن را ترك کرده است، بر خواهد افراشت.

ع- اعتبار عهدنامه ۱۹۷۵

در عهدنامه ۱۹۷۵ و موافقتنامه های تکمیلی آن، حق لغو یکسویه پیش بینی نشده و به هیچ رو اختلاف نظر در چگونگی اجرای عهدنامه نمی تواند دلیلی برای لغو یکسویه آن باشد. همچنین بر پایه بند ۳ ماده ۶۲ کنوانسیون وین، نمی توان به اصل تغییر فاحش اوضاع و احوال به عنوان بهانه ای برای لغو یا کناره گیری از معاهده استناد کرد و تنها می توان خواستار تعلیق اجرای عهدنامه شد.

اما از همه مهمتر بند ۲ ماده ۶۲ کنوانسیون مزبور

○ ماده ۴ عهدنامه ۱۹۷۵ تأیید می کند که آن عهدنامه و سه پروتکل و ضمیمه آنها مقرراتی قطعی، دائمی و نقض ناشدنی است. بنابراین عهدنامه ۱۹۷۵ برای همه زمانها معتبر است و جنگ نمی تواند خللی به اعتبار آن وارد نماید.

می‌باشد. اصل مزبور در ماده ۲۶ کنوانسیون وین ۱۹۶۹ حقوق معاهدات می‌گوید:

«اجرای مفاد هر عهدنامه برای طرفین متعاهدین الزام‌آور است و باید با حسن نیت اجرا گردد.»

مقدمه منشور ملل متحد که مهمترین سند حقوقی و سیاسی بین‌المللی است، رعایت اصل احترام به عهدنامه‌ها را از وظایف دولت‌های عضو سازمان دانسته است. بند ۴ ماده ۲ منشور نیز ناظر به احترام به یکپارچگی سرزمینی کشورها و تغییرناپذیر بودن مرزها است. بنابراین لغو یکجانبه عهدنامه ۱۹۷۵ توسط دولت عراق، نقض آشکار مفاد منشور ملل متحد است. جالب آنکه دولت عراق نیز خود در سال ۱۹۶۹ لغو عهدنامه ۱۹۳۷ توسط دولت ایران را نقض آشکار بندهای ۳ و ۴ ماده ۲ منشور سازمان ملل متحد اعلام نموده و آن را محکوم کرده است.^{۲۴}

بطور کلی دولت‌ها در روابط خود با یکدیگر رعایت چند اصل عمده را به موجب معاهدات دوجانبه و چندجانبه پذیرفته‌اند. این اصول عبارتند از: اصل احترام به تعهدات بین‌المللی، اصل احترام به تمامیت ارضی کشورها، اصل اجتناب از به کار بردن زور و رفع اختلافات از طریق مسالمت‌آمیز. اصول مزبور توسط دول شرکت کننده در کنفرانس «باندونگ» در سال ۱۹۵۵ پذیرفته شد و در اعلامیه نهایی کنفرانس درج گردید.^{۲۵}

کشورهای عضو سازمان وحدت افریقا نیز به موجب منشور سازمان مزبور رعایت برخی اصول مانند اصل عدم تغییر سرحدات و اصل حل و فصل اختلافات از طریق مسالمت‌آمیز را در روابط خود با یکدیگر پذیرفته‌اند.

همچنین دولت‌ها، در موارد مختلف اعتقاد و ایمان خود را به لزوم وفای به عهد و احترام به تعهدات خویش، صریحاً اعلام و اظهار نموده‌اند. به عنوان مثال در قرارداد لندن مورخ ۱۸۷۱ راجع به دریای سیاه در این مورد چنین مقرر شده است:

«دول متعهد تصدیق دارند که یکی از اصول مسلم حقوق بین‌الملل این است که دولت‌ها باید تعهدات خود را محترم شمارند و اجرا کنند و نمی‌توانند در

است که آشکارا استناد به اصل تغییر فاحش اوضاع و احوال برای لغو یکسویه عهدنامه‌های مرزی را مردود دانسته است. بند ۲ ماده مذکور به این شرح است:

«در موارد ذیل، تغییرات اساسی اوضاع و احوال برای پایان دادن به معاهده و یا خروج از آن را نمی‌توان مورد استناد قرار داد:

الف. اگر معاهده تعیین کننده مرز باشد...»

جالب آنکه رئیس هیئت نمایندگی عراق در کنفرانس وین ۱۹۶۹ حقوق معاهدات، به عنوان مخبر کنفرانس و رئیس کمیته مأمور تهیه متن کنوانسیون، در تدوین ماده مزبور نقش مؤثری داشته است. همچنین دیوان دائمی دادگستری بین‌المللی در اختلافات بین فرانسه و انگلیس در سال ۱۹۲۲ و فرانسه و سوئیس در سال ۱۹۳۳ بر بی‌اعتباری اصل مذکور رأی داد.

جالب‌تر آنکه دولت عراق به اصلی استناد می‌کند که خود آن را رد کرده است، زیرا این دولت در سال ۱۹۶۹ توسل به اصل تغییر فاحش اوضاع و احوال توسط دولت ایران را برای لغو عهدنامه ۱۹۳۷ مردود اعلام نمود. نظرات دولت عراق در این مورد از این قرار است:

«یکی از اصول شناخته شده حقوق بین‌الملل عبارت از این است که معاهدات و قراردادهایی که بطور صحیح منعقد شده و به تصویب نهایی رسیده‌اند، برای دو کشوری که آنها را امضاء نموده و تصویب کرده‌اند، الزام‌آور می‌باشند. قرارداد مرزی سال ۱۹۳۷ قراردادی نیست که مدت آن منقضی شده باشد. این قرارداد به منظور تحدید حدود دو کشور منعقد شده و برای همیشه دارای اعتبار است. اگر اصل تغییر فاحش اوضاع و احوال قابل استناد باشد، سرحدات بسیاری از کشورها باید تغییر یابد. اصل تغییر فاحش اوضاع و احوال در این مورد مصداق ندارد، بلکه اصل احترام به قراردادها که پایه و اساس حقوق بین‌الملل و روابط بین‌المللی می‌باشد، در این مورد حاکم است.»^{۲۲}

البته اصل احترام به قراردادها یا اصل وفای به عهد^{۲۳} اساس و مبنای تعهدات بین‌المللی دول

جدید)^{۲۹} مجاز شمرده، لیکن اجرای این اصل را در مورد عهدنامه‌های مرزی یکسره منع و در این مورد بر اصل تداوم معاهدات^{۳۰} تأکید کرده است.^{۳۱} رعایت این اصل مهم بین‌المللی، مورد نظر دولتین ایران و عراق در انعقاد عهدنامه ۱۹۷۵ نیز بوده و صریحاً در ماده ۵ عهدنامه قید شده است. ماده مذکور چنین مقرر می‌دارد:

«در قالب غیر قابل تغییر بودن مرزها و احترام کامل به تمامیت ارضی دو دولت، طرفین معظمین متعاهدین تأیید می‌نمایند که خط مرز زمینی و رودخانه‌ای آنان لایتغیر، دائمی و قطعی می‌باشد.»

از طرف دیگر در سال ۱۹۷۰ دولت عراق به اتفاق پاکستان طرحی در مورد رژیم حقوقی رودخانه‌های بین‌المللی به یازدهمین کنفرانس حقوقی مشورتی آسیایی - آفریقایی منعقد در غنا ارائه نمود که در ماده ۹ آن چنین پیشنهاد شده بود:

«به منظور حفظ صلح و امنیت بین‌المللی، کشورهای متعهد کلیه اختلافات بین‌المللی خود را از طریق مسالمت‌آمیز حل و فصل خواهند کرد. در صورت عدم توافق، هیچ‌یک از طرفین مجاز نیست به‌طور یک‌جانبه خود را قاضی قرارداد و داوری کند، بلکه می‌بایستی اختلاف را به داوری ارجاع نموده و از رأی حکمیت نیز تبعیت نماید»^{۳۲}

اما دولت عراق بدون توجه به این پیشنهاد که ضمناً نقطه نظر و طرز برخورد آن کشور با این موضوع را بیان می‌کند، با بهانه جویبهای بی‌مورد اقدام به حمله نظامی کرد و به این ترتیب عدم تقید خود را به اصول حقوق بین‌الملل و نزاکت بین‌المللی و قراردادهایی که امضاء نموده است، به اثبات رساند.

از طرف دیگر، رهبران عراق رضایت و خشنودی خود را از امضای عهدنامه آشکارا بیان داشته‌اند. صدام حسین اعلامیه الجزیره را یک «توافق بزرگ و تاریخی» خواند. احمد حسن البکر رئیس‌جمهوری عراق در سخنانی که به مناسبت هفتمین سالگرد به قدرت رسیدن حزب بعث ایراد کرد، مهمترین رویداد سیاست خارجی عراق را امضای عهدنامه حل اختلاف با ایران برشمرد و گفت: «عراق به رغم

عهدنامه‌های منعقد تغییر بدهند یا آنها را فسخ کنند مگر با توافق و تراضی و به وسیله قرارداد خاص»^{۳۳} «هودسن» قاضی دیوان دائمی دادگستری بین‌المللی می‌نویسد:

«هر چند دادگاه به اصل وفای به عهد اشاره‌ای نکرده است، لیکن بارها اعلام نموده که تعهدات بین‌المللی برای طرفین متعاهدین الزام‌آور است. دولت‌ها باید تعهداتی را که به موجب عهدنامه‌ها به عهده گرفته‌اند با حسن نیت اجرا نمایند. به همین جهت است که به دلایل اقامه شده توسط متعاهدینی که تعهدات خود را اجرا نکرده‌اند، کمتر روی خوش نشان داده می‌شود»^{۳۴}

به طور کلی اصل وفای به عهد عموماً مورد قبول قرار گرفته است، تا جایی که کمتر سیستم حقوقی متمدنی را می‌توان یافت که اصل مزبور را نخستین پایه قواعد حقوقی خود قرار نداده باشد.

«آندره ویشسنسکی» در این مورد می‌گوید:

«معاهدات در تئوری شوروی راجع به حقوق بین‌الملل به عنوان منبع اصلی حقوق بین‌الملل به‌شمار آمده است و احترام به اهمیت و اعتبار حقوقی معاهدات باید بدون چون و چرا رعایت گردد»^{۳۵}

همچنین حقوق بین‌الملل در پرتو احترام به یکپارچگی سرزمینی کشورها، قطعی، دائمی و غیرقابل تغییر بودن را از اصول ذاتی عناصر متشکله عهدنامه‌های مرزی شناخته است و در رابطه با این قاعده کلی، نه تنها تغییر یکجانبه عهدنامه‌های مرزی را بر پایه اصل تغییر فاحش اوضاع و احوال جایز ندیده بلکه هرگونه ادعای یکسویه دایر بر کان‌لم‌یکن و ملغی الاثر بودن یا تعلیق اجرای مفاد یا انقضای اصول عهدنامه‌های مرزی را به هر عنوان و دلیلی، مردود شناخته است. حتی در رابطه با اصل ادامه اصالت و صحت عهدنامه‌های مرزی، حقوق بین‌الملل ضمن آنکه در مورد مسئله جانشینی دولت‌ها راجع به قراردادهای برای دولتهای تازه استقلال یافته حق تغییر قراردادهای بسته شده به وسیله دولتهای استعماری پیشین را براساس اصل «نیل به استقلال کشورهای

○ در سال ۱۹۷۵ ایران از دید نظامی نیرومندتر از عراق بود و از نظر موقعیت منطقه‌ای و بین‌المللی در وضع بهتری قرار داشت و عراق نمی‌توانست نه در میدان جنگ و نه در میدان سیاست موفقیتی به دست آورد. با این حال، دولت ایران از این موقعیت استفاده نکرد، بلکه برعکس، دولت عراق با وجود ضعف نظامی و انزوای سیاسی بیشترین بهره را برد.

۵. عهدنامه ۱۹۷۵ برای همیشه معتبر است.

عهدنامه ۱۹۷۵ به دلایل زیر برای همیشه معتبر بوده و هست:

- اولاً، عهدنامه ۱۹۷۵ مغایرتی با اصول و مقررات حقوق بین‌الملل ندارد و حتی با تعیین خط تالوگ به‌عنوان مرز ایران و عراق در ارون رود، در جهت اجرای مقررات حقوق بین‌الملل است.
- ثانیاً جنگ خلیج به اعتبار عهدنامه مذکور وارد نمی‌کند. در این مورد که آیا جنگ باعث لغو عهدنامه‌ها می‌شود یا نه، علمای حقوق بین‌الملل دو نظریه ابراز داشته‌اند. برخی برآنند که با پیش آمدن جنگ، عهدنامه‌ها اعتبار خود را از دست می‌دهند، ولی عهدنامه‌های مرزی را مستثنی می‌کنند و معتقدند جنگ، هیچ‌گونه خلیجی به اعتبار این گونه عهدنامه‌ها وارد نمی‌سازد.^{۳۴} در مقابل، برخی دیگر معتقدند بسیاری از معاهدات با وجود بروز جنگ اعتبار خود را حفظ می‌کنند و تنها تأثیری که جنگ بر این معاهدات دارد این است که اجرای آنها را به گونه‌ی گذرا به حالت تعلیق درمی‌آورد.^{۳۵}

«کونز» در این مورد می‌نویسد:
«جنگ فقط اجرای معاهدات را معوق می‌سازد،

کوشش‌های دشمنانی که می‌کوشند روابط دو کشور را خدشه‌دار سازند، به توافقی‌های خود با ایران که به سود دو کشور تنظیم شده است، احترام می‌گذارد». و سرانجام سعدون حمادی وزیر امور خارجه عراق که عهدنامه مزبور را از طرف دولت متبوع خویش امضاء نمود، رضایت خود را از حل مسالمت‌آمیز اختلافات مرزی بین دو کشور ابراز داشت و گفت: این موافقتنامه‌ها کلیه اختلافاتی را که میان دو کشور معوق مانده و تقریباً دو کشور را به آغاز درگیری مسلحانه کشانده بود، حل نمود. وی در ۲۲ ژوئن ۱۹۷۶ به هنگام مبادله اسناد تصویب این معاهدات اظهار داشت:

«حساب آنچه را که مربوط به گذشته بود تسویه کردیم و اکنون باید به فکر آینده باشیم، چیزی طبیعی‌تر از دوستی و همکاری ایران و عراق وجود ندارد. وی اضافه نمود که حل اختلافات ۴۲ ساله نباید دستاورد پیش‌پا افتاده‌ای بشمار آید.»

بنابراین اولاً، گفته‌های رهبران عراق نشان می‌دهد که آنها از انعقاد عهدنامه راضی و خشنود بوده‌اند، ثانیاً، رهبران عراق دلیلی مبنی بر اینکه عهدنامه به آن کشور تحمیل شده است، در دست نداشته و قادر به اثبات آن نبودند. ثالثاً، به موجب ماده ۱۱ کنوانسیون وین ۱۹۶۹ حقوق معاهدات، امضاء، تصویب و مبادله اسناد مصوبه یک معاهده، خود دلیل رضایت یک کشور از انعقاد آن معاهده است. ماده ۱۱ کنوانسیون مذکور چنین است:

«رضایت یک کشور از التزام به یک عهدنامه، به وسیله امضاء، تصویب مبادله اسناد مصوب، الحاق و سایر طرقی که مورد توافق قرار گیرد، اظهار می‌شود.»

همچنین بند ب ماده ۲ همان کنوانسیون اشعار می‌دارد که به موجب اصطلاحات مزبور، یک کشور رضایت خود را از التزام به یک معاهده در سطح بین‌المللی ابراز می‌دارد.^{۳۳}

همان‌طور که قبلاً گفته شد عهدنامه ۱۹۷۵ به امضاء و تصویب مقامات ذیصلاح دولتی ایران و عراق رسیده و اسناد مصوبه آن نیز مبادله گردیده است.

ژوئیه ۱۹۹۰ ما، به‌ویژه در مورد مبادله اسراء و بندهای ۶ و ۷ قطعنامه ۵۹۸ شورای امنیت، موافقت می‌شود.»

در قسمتی از این نامه خطاب به رئیس‌جمهوری ایران آمده است. «... با این تصمیم ما دیگر همه چیز روشن شده و به این ترتیب همه آنچه را که می‌خواستید و بر آن تکیه می‌کردید تحقق می‌یابد. از سوی دیگر دبیرکل سازمان ملل در ۱۸ آذر ۱۳۷۰ عراق را مسئول آغاز جنگ علیه ایران در ۲۲ سپتامبر ۱۹۸۰ معرفی نمود. در قسمتی از گزارش دبیرکل در این مورد آمده است:

«پاسخ عراق به نامه مورخ ۱۴ اوت ۱۹۹۱ من پاسخی محتوایی نیست... این يك واقعیت است که توضیحات عراق برای جامعه بین‌المللی قابل قبول و کافی نیست. بنابراین رویداد برجسته‌ای که تحت عنوان موارد نقض در بند ۵ این گزارش بدان اشاره کردم، همانا حمله ۲۲ سپتامبر ۱۹۸۰ علیه ایران است که براساس منشور ملل متحد، اصول و قوانین شناخته شده بین‌المللی یا اصول اخلاقی بین‌المللی قابل توجیه نیست و موجب مسئولیت مخصوصه است. حتی اگر قبل از شروع مخصوصه برخی تعارضات از جانب ایران به خاک عراق صورت گرفته باشد، چنین تعرضاتی نمی‌تواند توجیه کننده تجاوز عراق به ایران باشد. تجاوزی که اشغال مستمر خاک ایران را در طول مخصوصه در پی داشت. این تجاوزی است که ناقض ممنوعیت کاربرد زور است که یکی از اصول حقوق بین‌المللی است.»

۷. تعیین میزان خسارت‌های جنگ

دبیرکل سازمان ملل متحد بعد از سه سال از تصویب قطعنامه ۵۹۸ سرانجام در صدد اجرای بند ۷ آن برآمد. یکی از علل این امر اقدامات سازمان ملل در رابطه با تعیین خسارات وارده به کویت در جریان بحران خلیج فارس بود. شورای امنیت نمی‌توانست نسبت به يك موضوع یعنی برآورد خسارت‌های جنگی در ایران و کویت، برخورد دوگانه‌ای داشته باشد. شورای امنیت در دو قطعنامه ۵۹۸ و ۶۸۷ بر

ولی به اعتبار و الزام آور بودن آنها خدشه‌ای وارد نمی‌کند. به عبارت دیگر تا زمانی که به موجب مقررات حقوق بین‌الملل، موجباتی برای انقضای اعتبار عهدنامه پدید نیامده است، عهدنامه‌ها به قوت خود باقی می‌باشند.»^{۳۶}

گروه اخیر به رویه قضایی نیز استناد نموده و به‌عنوان مثال از حفظ اعتبار عهدنامه بین هند و پاکستان در مورد رود «سند» پس از جنگ ۱۹۶۵ دو کشور نام می‌برند.

● ثالثاً، ماده ۴ عهدنامه ۱۹۷۵ تأیید می‌کند که آن عهدنامه و سه پروتکل و ضمیمه آنها مقرراتی قطعی، دائمی و نقض ناشدنی است. بنابراین عهدنامه ۱۹۷۵ برای همه زمانها معتبر است و جنگ نمی‌تواند خللی به اعتبار آن وارد نماید.

جالب آنکه دولت عراق، خود در سال ۱۹۶۹ به این موضوع نیز اعتراف کرده است. نماینده عراق در سازمان ملل متحد طی نامه‌ای به رئیس شورای امنیت در این مورد نوشته است: «لغو و یا اصلاح یکجانبه عهدنامه‌های مرزی تحت هر شرایطی، حتی اگر حالت جنگ بین دو کشور وجود داشته باشد، فاقد اعتبار می‌باشد و این يك قانون مطلق است.»^{۳۷} به موجب اصول و مقررات حقوق بین‌الملل نیز لغو یکجانبه عهدنامه ۱۹۷۵ محکوم است و عهدنامه مذکور و سه پروتکل و ضمیمه آن و چهار موافقتنامه تکمیلی همچنان معتبر بوده و هست.

۶. پذیرش مجدد عهدنامه ۱۹۷۵ و اعلام

متجاوز بودن عراق

۱۲ روز بعد از اشغال کویت یعنی در ۲۴ مرداد ۱۳۶۹ (۱۴ اوت ۱۹۹۰) رادیو بغداد برنامه‌های عادی خود را قطع و نامه رئیس‌جمهور عراق را که طی آن عهدنامه ۱۹۷۵ توسط دولت عراق پذیرفته شده بود قرائت کرد. در این نامه خطاب به رئیس‌جمهوری ایران آمده است:

«با پیشنهاد شما مندرج در نامه جوایبه هشتم اوت ۱۹۹۰ ناظر به لزوم مبنی قرارداد عهدنامه ۱۹۷۵ ضمن مرتبط دانستن آن با اصول مندرج در نامه ۳۰

○ عهدنامه ۱۹۷۵ برای دولت عراق امتیازات ارضی به ارمغان آورد. اهمیت این عهدنامه برای رژیم عراق تا به آن اندازه بود که صدام حسین در سخنرانی خود در مجمع ملی عراق در ۱۷ سپتامبر ۱۹۸۰ بسته شدن عهدنامه ۱۹۷۵ را يك «پیروزی بزرگ» برای مردم عراق و شخص خود دانست و گفت: «این عهدنامه امنیت و وحدت ملی و ارتش عراق را نجات داده است.»

۱۰۰۰ میلیارد دلار اعلام کرده است.

۸. نتیجه

در سال ۱۹۷۵ دولتین ایران و عراق با انعقاد عهدنامه مرزی و حُسن همجواری ۱۹۷۵ و سه پروتکل و ضامنه آنها و چهار موافقتنامه تکمیلی، به اختلافات مرزی دیرپای خود خاتمه دادند. اختلافات مرزی ایران و عراق به طور عمده مربوط به اروندرود بود، عهدنامه مذکور با تعیین خط تالوگ به عنوان مرز دو کشور در این آبراه بین‌المللی، اختلاف را از میان برداشت.

عهدنامه ۱۹۷۵ تمام حقوق حقه ایران را تأمین نمی‌کرد و تعیین خط تالوگ به عنوان مرز دو کشور دراروند رود، امتیاز جدیدی برای دولت ایران محسوب نمی‌گردید. زیرا:

۱. دولت ایران عملاً از سال ۱۹۶۹ براساس خط تالوگ عمل می‌کرد و عهدنامه مذکور حقوق جدیدی برای ایران ایجاد نمی‌کرد، بلکه تنها بر وضع موجود صحه می‌گذاشت.

۲. اصل تالوگ یکی از اصول پذیرفته شده حقوق بین‌الملل عمومی می‌باشد که حقوق مزبور آن را در مورد رودخانه‌های مرزی برای تمام کشورها به

ضرورت برآورد خسارت‌های جنگی در ایران و کویت تأکید کرده بود. هیئت اعزامی سازمان ملل متحد به کویت گزارش خود را در مورد برآورد خسارات وارده به این کشور در اردیبهشت ماه ۱۳۷۰ تسلیم شورای امنیت کرده بود. بنابراین ضروری بود که دبیرکل هیئتی را نیز به تهران برای تعیین میزان خسارات وارده اعزام نماید.

بهمین جهت هیئت کارشناسی سازمان ملل متحد به ریاست عبدالرحیم فرح معاون دبیرکل برای تعیین میزان خسارت‌های وارده در خرداد و آبان ۱۳۷۰ از ایران دیدار نمود. هدف سفر هیئت مقدماتی که در خرداد ۱۳۷۰ صورت گرفت دستیابی به اطلاعات زیر بود:

- کسب اطلاعات مقدماتی درباره ماهیت و ابعاد خسارات وارده به زیربنای کشور در جریان جنگ

- تحقیق و تأیید این اطلاعات تا حد ممکن از طریق بازدید از محل

- جمع‌آوری اطلاعات دیگر برای بررسی مساله بازسازی با توجه به بند ۷ قطعنامه ۵۹۸ که تصریح می‌کند شورای امنیت عظمت خسارات وارده در جریان مناقشه و نیاز به تلاشهای بازسازی با همیاری مناسب بین‌المللی را درک می‌کند.

هدف سفر دوم هیئت کارشناسی سازمان ملل به ایران در آبان ۱۳۷۰ پیگیری بررسی‌های قبلی و برآورد دقیق خسارات اقتصادی وارده به ایران بود. هیئت مذکور در مدت اقامت خود در ایران با کلیه نهادها و وزارتخانه‌های مسئول مذاکراتی انجام داد و برای شناخت بیشتر از مراکزی که در طول جنگ آسیب دیده بودند، مستقیماً بازدید به عمل آورد.

نتایج بررسی‌های مذکور به صورت دو گزارش نسبتاً جامع تحویل دبیرکل سازمان ملل متحد شد. در این گزارشات ضمن اذعان به عظمت خسارات وارده به ایران، میزان خسارات مستقیم ۹۷/۲ میلیارد دلار و خسارات غیرمستقیم ۳۴۵۳۵ میلیارد ریال برآورد شده است. البته برآورد مذکور کمتر از میزان خسارات برآورد شده توسط ایران است. ایران میزان خسارات وارده را

وضع بهتری قرار داشت و عراق نمی توانست نه در میدان جنگ و نه در میدان سیاست موفقیتی به دست آورد. با این حال، دولت ایران از این موقعیت استفاده نکرد، بلکه برعکس، دولت عراق با وجود ضعف نظامی و انزوای سیاسی بیشترین بهره را برد.

عهدنامه ۱۹۷۵ برای دولت عراق امتیازات ارضی به ارمغان آورد. اهمیت این عهدنامه برای رژیم عراق تا به آن اندازه بود که صدام حسین در سخنرانی خود در مجمع ملی عراق در ۱۷ سپتامبر ۱۹۸۰ بسته شدن عهدنامه ۱۹۷۵ را يك «پيروزی بزرگ» برای مردم عراق و شخص خود دانست و گفت: «این عهدنامه امنیت و وحدت ملی و ارتش عراق را نجات داده است.»

۴. اگر ایران همچنان که بر اعتبار عهدنامه ۱۹۷۵ پافشاری می کند، برای دریافت خسارت از عراق نیز اصرار می ورزید، جلال طالبانی رئیس جمهوری عراق به خود اجازه نمی داد سخنانی نسنجیده در مورد عهدنامه ۱۹۷۵ بر زبان آورد که بعد ناگزیر شود آنرا تکذیب کند. به هر رو ایران باید مسأله دریافت خسارت از عراق را پی گیری کند.

یادداشت‌ها و پی‌نویش‌ها

۱. وزارت امور خارجه ایران، حقایقی چند درباره اختلاف ایران و عراق راجع به شط العرب (تهران: انتشارات وزارت امور خارجه، ۱۳۴۸) صص ۶ و ۷.
۲. عبدالرضا هوشنگ مهدوی، تاریخ روابط خارجی ایران (تهران: انتشارات امیر کبیر، ۱۳۴۹) صص ۱۶۸ و ۱۶۹.
۳. وحید مازندرانی، مجموعه عهدنامه‌های تاریخی ایران... (تهران: انتشارات وزارت امور خارجه، ۱۳۵۰) صص ۱۷۳.
۴. وزارت امور خارجه، حقایقی چند درباره... پیشین.
۷. برای اطلاع از عهدنامه ۱۹۳۷ و پروتکل ضمیمه آن نگاه کنید به مجلس شورای ملی، قوانین دوره یازدهم: سال انتشار ۱۳۱۹، صص ۳۹۹-۴۰۳.
8. Majid Khadduri, *Independent Iraq* (London: Oxford University Press. 1951) p. 246.
۹. برای اطلاع بیشتر از اختلافات مرزی و سیاسی ایران و عراق تا انعقاد عهدنامه بغداد (۱۹۷۵) نگاه کنید به اصغر

رسمیت شناخته و عراق نیز يك اصل حقوق بین‌الملل عمومی را پذیرفته است.

۳. دولتین ایران و عراق نمی توانستند در عهدنامه ۱۹۷۵ خلاف اصل مذکور را بپذیرند، چون در این صورت عهدنامه فاقد اعتبار می گردید. طبق ماده ۵۳ کنوانسیون وین ۱۹۶۹ در مورد حقوق معاهدات «هر عهدنامه‌ای که در زمان انعقاد با يك اصل لازم الرعاية حقوق بین‌الملل عمومی تعارض داشته باشد، فاقد اعتبار است» و عهدنامه مذکور شش سال بعد از کنوانسیون فوق منعقد گردید.

دولت ایران در مقابل اصل تالوگ، قسمتی از اراضی خود را در قلمرو زمینی به عراق واگذار کرده است. به موجب ماده يك پروتکل راجع به علامتگذاری مجدد مرز زمینی بین ایران و عراق، مرز زمینی بین دو کشور براساس پروتکل استانبول ۱۹۱۳ و صورتجلسات کمیسیون تحدید حدود ایران و عثمانی ۱۹۱۴ تعیین گردیده است و همان‌طور که گفته شد پروتکل استانبول و صورتجلسات منضم به آن، حدود ۷۰۰ مایل مربع از اراضی متعلق به ایران را به دولت عثمانی واگذار کرده است.

در سال ۱۹۷۵ ایران از دید نظامی نیرومندتر از عراق بود و از نظر موقعیت منطقه‌ای و بین‌المللی در

○ اگر ایران همچنان که بر اعتبار عهدنامه ۱۹۷۵ پافشاری می کند، برای دریافت خسارت از عراق نیز اصرار می ورزید، جلال طالبانی رئیس جمهوری عراق به خود اجازه نمی داد سخنانی نسنجیده در مورد عهدنامه ۱۹۷۵ بر زبان آورد که بعد ناگزیر شود آنرا تکذیب کند. به هر رو ایران باید مسأله دریافت خسارت از عراق را پی گیری کند.

۲۳. عبارت لاتین این اصل به این شرح است:
Pacta Sunt Servanda.
24. U.N. Sescurity Council Document, S/19185. April 29., 1969.
۲۵. نگاه کنید به پطرس غالی، جنبش افریقایی - آسیایی، ترجمه دکتر فرج الله ناصری، (انتشارات خردمند، تهران، ۱۳۴۹) ص ۱۲۱.
۲۶. محمد صفدری، حقوق بین الملل عمومی (جلد اول، تهران: انتشارات ابوریحان، ۱۳۴۲) ص ۱۷۰.
27. Tung, **op. cit.**, p. 353.
28. Artot, Larson. **When Nations Disagree**, Louisiana State University Press. 1961. p. 40.
29. Clean Spate.
30. Continuity of Treaty.
۳۱. وزارت امور خارجه، تحلیلی بر جنگ تحمیلی رژیم عراق علیه جمهوری اسلامی ایران: تهران، ۱۳۶۱، صص ۱۰-۱۱.
32. S.H. Amin. "The Iran - Iraq Conflict: legal Implications", **The International and Comparative Law Quarterly** (January 1982) Vol. 31. p. 175.
۳۳. باید اشاره کرد که جهت تنظیم و انعقاد يك معاهده مرحله‌ای باید طی گردد که عبارتند از: مذاکره برای تنظیم عهدنامه، تحریر و امضای معاهده، تصویب توسط مقامات صلاحیتدار، مبادله اسناد مصوب و ثبت و انتشار معاهده، هر کدام از مراحل مذکور مبین آن است که طرفین با مندرجات عهدنامه موافقت دارند و بدین وسیله رضایت خود را از آن اعلام می‌دارند.
۳۴. رجوع شود به دکتر محمد رضا ضیائی بیگلری، حقوق بین الملل عمومی (تهران: چاپ دوم، ۱۳۶۳) ص ۱۰۰.
۳۵. رجوع کنید به شارل روسو، حقوق بین الملل عمومی، ترجمه دکتر محمد علی حکمت، (جلد اول، تهران: دانشگاه تهران، ۱۳۴۷) ص ۱۲۴.
36. Josef L. Kunz. **The changing Law of Nations**, Ohio State University Press. 1968. p. 355.
37. U.N. Sescurity Council Document, S/9185. April 29. 1969.
- جعفری ولدانی، اختلافات مرزی و سیاسی ایران و عراق ۱۳۳۷-۱۳۵۴.
۱۰. وزارت امور خارجه، اطلاعاتی درباره عراق (تهران: انتشارات وزارت امور خارجه، ۱۳۵۵) صص ۱۶۹-۱۷۰.
۱۱. نویسندگان و پژوهشگران ایرانی و خارجی اغلب بین «اعلامیه الجزیره» و «عهدنامه بغداد (۱۹۷۵)» تفاوتی نمی‌گذارند و معمولاً در نوشته‌های خود از «قرارداد الجزایر» یا «عهدنامه الجزایر» نام می‌برند، به‌عنوان مثال می‌توان از مقاله‌ای تحت عنوان «عراق هیچگاه به قرارداد الجزایر پای بند نبوده است» در روزنامه اطلاعات ۳۰ شهریور ۱۳۶۲ نام برد. در ابتدای این مقاله نوشته شده است: «۲۶ شهریور ماه هشتمین سالروز امضای عهدنامه ۶ ماده‌ای الجزایر در سال ۱۹۷۵ بود». در صورتی که اولاً عهدنامه مذکور در بغداد به امضاء رسیده و به عهدنامه بغداد معروف است. ثانیاً عهدنامه مورد نظر در ۲۳ خرداد امضاء شده است و ثالثاً دارای ۸ ماده است.
۱۲. وزارت دادگستری، مجموعه قوانین سال ۱۳۵۵: صص ۹۵.
13. Congress of Rastait.
14. The Treaty of Lunville.
15. ex aequo et bono.
۱۶. منوچهر گنجی، حقوق بین الملل عمومی (تهران: چاپ دانشگاه تهران، ۱۳۴۸) صص ۲۲۷ و ۲۲۸.
۱۷. وزارت امور خارجه، حقایق چند درباره... پیشین، صص ۴۲.
18. U.N. Yearbook. 1980. p.316.
۱۹. کیهان، شهریور ۱۳۶۱.
20. Alexander Melamid, "Geographical Review of the shatt AI- Arab bouhdry disputes", **Middle East Journal**, XX, No. 3 (Summer 1979) pp. 354-4.
۲۱. وزارت دادگستری، موافقتنامه بین ایران و عراق راجع به مقررات مربوط به کشتیرانی در شط العرب، مجموعه قوانین سال ۱۳۵۵، ص ۱۸۵.
22. U.N. Sescurity Council Document, S/9205.May 13, 1969.